

مدیریت خانم تشکر

گفت‌وگو با محبوبه محمدی، مدیر هنرستان دخترانه کار دانش کیومرث صابری ناحیه یک رشت

لیلا صمدی



«یکی از عوامل سرپاماندن ما مدیران این است که بتوانیم با همتا یا نمان ارتباط مثبت بگیریم تا اگر کسی کار تأثیرگذاری انجام داده است، از آن الگو بگیریم و به وقت ضرورت همدیگر را حمایت کنیم.»

ما نیز در نشریه رشد مدیریت مدرسه، با هدف معرفی الگوهای مدرسه‌داری، زمانی که با خبر شدیم هنرستان «کیومرث صابری» در سال‌های اخیر با مدیریت محبوبه محمدی تغییرات مثبت چشم‌گیری داشته است، به سراغ این مدیر موفق رفتیم تا از تجربه‌هایشان برای ما بگویند.

محبوبه محمدی در رشته گرافیک هنرستان تحصیل کرده است. پس از گذراندن دوره کاردانی در رشته گرافیک و حین تدریس در هنرستان، تحصیل خود را از کاردانی به کارشناسی در رشته امور تربیتی ادامه داد. وی هجده سال در پست‌های هنرآموز، معاون و مدیر هنرستان مشغول به کار بوده و پنج سال از آن را در هنرستان کیومرث صابری به‌عنوان مدیر گذرانده است. محمدی به دلیل داشتن روحیه قدردانی و سپاسگزاری، به «خانم تشکر» معروف است. همچنین، در مدرسه به‌عنوان مدیری خوش‌رو و با محبت شناخته می‌شود. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از گفت‌وگوی ما با این مدیر تأثیرگذار است:

● به تیم‌سازی و ارتباط همدلانه بین عناصر مدرسه اشاره کردید. از این دو چگونه برای پیشرفت مدرسه‌تان بهره بردید؟

همه تیم با هم فکر کردیم، چشم‌انداز مدرسه را بر اساس سند تحول تدوین کردیم و برای رسیدن به آن، با دل و جان مسئولیت پذیرفتیم و قدم برداشتیم. نظم پل قشنگی برای رسیدن ما به اهداف است. ما در مدرسه زندگی می‌کنیم. اینجا را نه فقط محل کار، بلکه خانه خودمان دیدیم. اگر گلدانی به این مدرسه آمده، همه برای نگهداشتن آن تلاش کرده‌اند. به‌جای صدا زدن فامیل یکدیگر، همدیگر را «خواهر» صدا می‌زنیم. با همکاران دورهمی‌های دوستانه داریم و نظرات

● شما در مدرسه خود را فردی مهم و تأثیرگذار می‌دانید؟

من یکی از اعضای خانواده یا تیم مهم و تأثیرگذار هنرستان صابری هستم. وقتی وارد این مدرسه شدم، تقریباً صد دانش‌آموز در آن پذیرش می‌شدند؛ آن هم دانش‌آموزانی که از سایر مدرسه‌ها و رشته‌ها جامانده بودند و در شهریورماه، از سر ناچاری به اینجا می‌آمدند. اما اکنون در مدرسه ما، به‌عنوان بزرگ‌ترین هنرستان کاردانش استان گیلان، ۶۰۰ دانش‌آموز در ۱۴ رشته مشغول به تحصیل هستند. دانش‌آموزان زیادی نیز برای ثبت‌نام در مدرسه پیگیر و راغب‌اند. این موفقیت نتیجه همدلی، تیم‌سازی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت همه ذی‌نفعان مدرسه در تصمیم‌گیری و اجراست. نگرش ما این بود که هر کسی وارد مدرسه می‌شود، مدرسه را مال خود بداند. بداند که اینجا توانمندی‌اش دیده و به دیگران معرفی می‌شود. ما توانستیم برای اولین بار به‌عنوان تنها هنرستان کاردانش کشور، گواهی‌نامه کیفیت را از سازمان ملی استاندارد ایران کسب کنیم. این موفقیت بدون تیم‌سازی و همدلی رقم نمی‌خورد. سعی می‌کنیم با قدرت تصمیم بگیریم. یعنی اطلاعاتمان را بالا می‌بریم و با مستندات کافی در تیم‌مان تصمیم می‌گیریم. من به‌عنوان یکی از اعضای تیم، با قدرت تصمیم‌گروه را اعلام می‌کنم.



آشنایی بیشتر با فضای مدرسه.



و پیشنهادها در این فضای دوستانه مطرح می‌شوند و در یک مسیر یکی می‌شویم. با رأفت و مهربانی کارهایمان را سریع‌تر و راحت‌تر انجام می‌دهیم. نقش مشاور در مدرسه بسیار پررنگ است. با کمک او از عبارات و جمله‌هایی در فضای مدرسه استفاده می‌شود که بار معنایی مثبت دارند. دانش‌آموزان را فرزندان خود می‌دانیم و آن‌ها را «دختران توانمند» و «دختران گل صابری» صدا می‌زنیم.

● برای احیا و ارتقای آموزش و یادگیری مؤثر در مدرسه چه اقداماتی انجام داده‌اید؟ آیا هنرستان شما رشددهنده است؟

به دنبال این هستیم که هنرآموزان را برای بازار کار آماده کنیم تا با کسب مهارت در رشته خود به تولید و هنرآفرینی بپردازند. تلاش می‌کنیم هنرآموزان با زیبایی‌های میراث فرهنگی آشنا شوند و بتوانند انتقال‌دهنده این میراث باشند. با سپردن مسئولیت‌ها به هنرآموزان، از جمله با اداره مدرسه توسط آنان، کار تیمی و مسئولیت‌پذیری را آموزش می‌دهیم. برای زیباسازی فضای مدرسه از آثار دانش‌آموزانمان استفاده می‌کنیم. اکنون بسیاری از هنرجویان ما هم‌زمان با تحصیل در رشته‌های کاربردی هنرستان مشغول به کار هستند، یا حتی اگر وارد بازار کار هم نشوند، می‌توانند از عهده نیازهای خود و اطرافیان برآیند. آن قدر دانش‌آموزان را با توانمندی‌شان درگیر کرده‌ایم که به دنبال این هستند حتی با کوچک‌ترین کاری که بلدند، خودشان را به دیگران معرفی کنند و دیگر به مواردی چون آسیب‌رسانی که قبلاً در مدرسه شاهد آن بودیم، فکر نمی‌کنند. هنرجویان ما بعد از فارغ‌التحصیلی نیز ارتباطشان را با مدرسه ادامه می‌دهند و تمایل دارند کاری برای مدرسه انجام دهند. ما از فارغ‌التحصیلان کارآفرین به‌عنوان الگو استفاده می‌کنیم.

● تا چه اندازه مدرسه خود را کانون تربیتی محله می‌دانید؟ چه اقداماتی برای افزایش مشارکت جامعه و اولیا در اثربخشی مدرسه انجام داده‌اید؟

در ابتدای سال فرصت‌ها و تهدیدهایمان را می‌شناسیم. افراد یا منابع اثرگذار را شناسایی و در مواقع لزوم از آن‌ها استفاده می‌کنیم. با بهداشت محله، هلال احمر، پلیس پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مسجد محله، افراد خیر و کسبه محله، ماما و روان‌شناس، ارتباط دوسویه داریم. دوسویه بودن تعاملات ما با سایر نهادها، موجب تأثیرگذاری و پایداری روابطمان با آنان شده است. برای مثال، هنرجویان ما مهارتشان را برای زیباسازی فضای شهر به کار می‌گیرند و دستمزد دریافت می‌کنند. از طرف دیگر، شهرداری نیز از نیرویی استفاده می‌کند که آموزش دیده، اما هزینه کمتری برای آن می‌پردازد.

در ابتدای سال اطلاعات کامل اولیا را ثبت می‌کنیم و در وقت مناسب از آن‌ها بهره می‌بریم. اولیا از مشارکت خود در مدرسه بازخورد خوبی گرفته‌اند. بنابراین، مهربانانه ما را همراهی می‌کنند. برای مثال یکی از اولیای مسئولیت‌پذیر، با تعاملاتی که به‌تنهایی با سایر نهادها برقرار کرد، توانست مدرسه را به شش دستگاه کولر اسپلیت مجهز کند. همچنین، با کمک اولیا ارتباط خوبی با هلال احمر برقرار کردیم. دانش‌آموزان، اولیا و همکاران آموزشی و ستادی مدرسه توسط هلال احمر آموزش دیدند و همین افراد آموزش‌دیده، داوطلب عضویت فعال در هلال احمر شدند. به این ترتیب هلال احمر نیز توانست از طریق مدرسه ما ظرفیت‌هایش را افزایش دهد. مدرسه ما انعکاس‌دهنده خوبی است. توانمندی‌های مدرسه و همچنین کمک‌های خیرین را در مستندی در صداوسیما به نمایش گذاشتیم تا مشارکت ذی‌نفعان را افزایش دهیم.

آن قدر دانش‌آموزان را با توانمندی‌شان درگیر کرده‌ایم که به دنبال این هستند حتی با کوچک‌ترین کاری که بلدند، خودشان را به دیگران معرفی کنند

● تا چه اندازه به خودارزیابی اهمیت می‌دهید و آن را انجام می‌دهید؟ همین‌طور، چگونه خود را در معرض ارزیابی بیرونی قرار می‌دهید؟

من و همکارانم معتقدیم، آمده‌ایم که اثرگذار باشیم و زمانی که از این مدرسه رفتیم، آثار عملکردمان دیده شود و دیگران به ادامه کار راغب شوند. اثرگذاری برمی‌گردد به اینکه ابتدا توانمندی و قابلیت خودمان را بشناسیم. بنابراین، نقاط قوت و ضعف خود را به چالش می‌کشیم و خودارزیابی می‌کنیم و اجازه می‌دهیم دیگران ما را ارزیابی کنند. ما همیشه پاسخ‌گو بوده‌ایم. اگر به ارزیابی و نقدها توجه نمی‌کردیم، نمی‌توانستیم تغییر ایجاد کنیم.

● سخن ناگفته پایانی؟

ما بهانه‌هایی را که راهمان را می‌بست، از جلوی راهمان برداشتیم و به آن‌ها اجازه رشد ندادیم. گله نکردیم. تلاش کردیم و فرصت‌های مؤثر را یافتیم. خواسته من و هم‌تایانم این است که به ما اختیار بیشتری داده شود. دست و پای ما را نبندند. این فرصت داده شود که مدرسه را ذی‌نفعان آن اداره کنند.

